

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برگهای از تاریخ خاندان

خدایه خان

www.ketab.ir

ایل حسود

نویسنده

سحر حسوندعموزاده

انتشارات ناران

سرشناسه	:	حسنوند عموزاده، سحر، ۱۳۷۱-
عنوان و نام پدیدآور	:	برگ‌هایی از تاریخ خاندان خدایی خان ایل حسنوند/ نویسنده
مشخصات نشر	:	اصفهان: ناران، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	:	۲۱۰ ص: مصور.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۹۳۹۱۴-۱-۹
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۲۰۹-۲۱۰.
موضوع	:	خدایی خان حسنوند، قرن ۱۲ ق.
موضوع	:	حسنوند
		Hasanvand (Iranian people)
		حسنوند -- نسب‌نامه
		Hasanvand (Iranian people) -- Genealogy
		ایلات و عشایر -- ایران -- لرستان
		لرها
		Lur (Iranian people)
	:	DSRVY
	:	۹۵۵/۹۸۱۱۲۵
	:	۹۲۶۹۴۵۸
	:	فیا
رده بندی کنگره	:	
رده بندی دیویی	:	
شماره کتابشناسی ملی	:	
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	

برگ‌هایی از تاریخ خاندان خدایی خان ایل حسنوند

نویسنده: سحر حسنوند عموزاده

ویراستار: نجمه خادم

طراح: سیده لیلا کشمیری

انتشارات: ناران

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۹۱۴-۱-۹

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال

آدرس: اصفهان، خیابان آپادانا اول، کوچه باغ توت، انتشارات ناران

اینستاگرام: Nashrnaran

فهرست مطالب

سخن نویسنده.....	۹	فال شوشمه‌کی.....	۳۵
پیش‌گفتار.....	۱۲	خدایی‌خان حسنونند حاکم پیش‌کوه لرستان.....	۳۸
عشایر و سیر رویدادها طی سالیان در لرستان.....	۱۵	کارهای عام‌المنفعة خدایی‌خان دوم.....	۳۸
آثار تمدن ساسانیان در لرستان.....	۱۷	شجره‌نامهٔ پسران خدایی‌خان حسنونند.....	۳۹
وقایع اتابکان در لرستان.....	۱۸	ساختار اجتماعی ایل حسنونند.....	۴۲
حکومت لرستان در دورهٔ آغامحمدخان.....	۱۹	■ اولادان خدایی‌خان.....	۴۵
لرستان در دورهٔ فتح‌علی‌شاه.....	۲۰	عبدالله‌خان (از بطن جهان‌سلطان).....	۴۵
لرستان در دورهٔ ناصرالدین‌شاه.....	۲۱	احمدخان (از بطن جهان‌سلطان).....	۵۱
لرستان در دورهٔ مظفرالدین‌شاه.....	۲۴	ملک‌علی‌خان.....	۵۲
کشف حجاب و عشایر لرستان در دوران پهلوی.....	۲۵	۱. آزادخان.....	۵۳
سرزمین الشتر.....	۲۶	۲. شفی‌خان.....	۵۳
تمایز لر و لک.....	۲۷	۳. عیسی‌خان.....	۵۳
فنون معیشت کاسی‌ها و قوم لک.....	۲۷	۴. صیدعالی‌خان.....	۵۳
ریشه و قدمت زبان لکی.....	۲۸	۵. موسی‌خان (پدر سرهنگ موسی‌خان ثانی).....	۵۴
■ فرهنگ عامهٔ لرستان و آداب و رسوم مردم لک.....	۲۹	سیف‌الله‌خان (از بطن فرخ‌جان).....	۵۹
آداب و رسوم تولد قوم لک.....	۳۰	عزیزالله‌خان (از بطن فرخ‌جان).....	۵۹
دینو رو.....	۳۱	فتح‌الله‌خان (از بطن فرخ‌جان).....	۶۱
نافه‌برانه قوم لک.....	۳۱	ولی‌الله.....	۶۳
آداب و رسوم ازدواج قوم لک.....	۳۲	عبدالعلی‌خان (از بطن فرخ‌جان).....	۶۷
آداب و رسوم سوگواری قوم لک.....	۳۳	نورالله.....	۷۱
آداب و رسوم نوروز قوم لک.....	۳۴	کرم‌الله.....	۷۳
آداب و رسوم چهارشنبه‌سوری قوم لک.....	۳۴	فرج‌الله.....	۷۴
آداب و رسوم شب یلداي قوم لک.....	۳۴	زینل‌بگ.....	۷۵
فال چهل سرود.....	۳۵	اسدالله‌خان.....	۷۶

سخن نویسنده

در خانواده‌ای بزرگ شده‌ام که قصه و داستان‌سرایی جزئی از آداب آنها بوده و هست. پدر بزرگ قصه می‌گفت، مادر بزرگ قصه می‌گفت و پدرم هم قصه می‌گوید. پدر ماجراها را با طنز درهم می‌آمیزد تا میهمانی که به خانه‌اش می‌آید، برای لحظاتی هرچند کوتاه از دل مشغولی‌های زندگی‌اش فاصله بگیرد.

از همان دوران کودکی به دلیل شرایط خانواده و شغل پدر و مادرم که بیشتر وقتشان با کشاورزی می‌گذشت، مجبور بودم ساعاتی از روز را کنار بالین مادر بزرگ بیمارم سپری کنم و او هم بیشتر وقت‌ها برایم داستان‌هایی از کُلخوم^۱ و سیمره^۲ تعریف می‌کرد.

ولی پدر بزرگ همیشه از ایل و مردانش می‌گفت. از تبعید، از رنج‌هایی که متحمل شدند و از قهرمانی‌های پسران غیور ایل می‌گفت. پدر بزرگ تعریف می‌کرد و اشک بود که از چشمان ما راهش را می‌گرفت و میهمان گونه‌هایی می‌شد.

از الشتر می‌گفت و باغ‌های سرسبزش، از خدایی‌خان و فرزندانش، از آداب و رسوم ایل و تعصب و دلاوری‌های مردانش در برابر ظلم و جور حکومت‌ها می‌گفت. از مهرعلی‌خان امیر منظم و رستم لریستان، از مهاجرت حسن‌خان در زمان قاجار می‌گفت که چه مسافت زیادی را طی کرد و چه سختی‌هایی کشید تا به شیراز رسید. از اسب‌های الشتر و کهرسواران برایمان داستان‌ها تعریف می‌کرد و من در تمام لحظات خودم را در آن میادین سوار بر اسب نزدی تصور می‌کردم و همراه با موسی‌خان شمشیر می‌زدم.

میهمانان پدر بزرگ از نقاط مختلف با پوشش‌های متفاوت و رنگارنگ برای دیدارش می‌آمدند. همگی مهربان بودند و با روی باز برایمان شعر لکی می‌خواندند.

همیشه دوست داشتم به منطقه آنها سفر کنم که متأسفانه هیچ‌وقت فرصت و شرایط فراهم نشد، ولی همچنان آرزو داشتم قصه‌ها و رسم و رسوم ایل را روزی به تصویر بکشم تا این که در اواسط دهه بیست زندگی‌ام با دنیای نویسندگی آشنا شدم و مثل تشنه‌ای که پس از مدت‌ها به آب رسیده باشد،

۱. کوهی در ارمو.

۲. رودخانه‌ای پایین ارمو.